

نکته مهمی که در این باره تذکر آن لازم است این است که اولاً تکرار در پاسخهای حضوری و گفتاری از اهمیت بیش تری برخوردار است و ثانیاً تکرار نباید به گونه‌ای ملال‌انگیز باشد که موجب خستگی پرسشگر شود.

۲۷. جامعیت پاسخ

این اصل از مهم‌ترین اصول و در واقع حاکم بر سایر اصول پاسخ دهی است. اگر پاسخی جامع نباشد، هر چند سایر شرایط پاسخ دهی را داشته باشد، هیچ ارزشی ندارد. پاسخ باید به گونه‌ای باشد که مطابق با پرسش، جامع افراد و مانع اغیار باشد. این نکته در مواردی که پرسشگر درخواست حصر کرده و در پاسخی که نیازمند تقسیم به اقسام است، از اهمیت بیش تری برخوردار است. اگر پرسشگری محرمات را پرسیده است، نباید به بیان چند محرم از محرمات اکتفا کرد، اگر مفطرات روزه را

سؤالی پاسخ دهد، سه بار تکرار می‌کرد. تکرار پاسخ ممکن است به چند شکل انجام گیرد:

الف. همان محتوا به زبان و بیانی دیگر بازگو شود تا اگر پرسشگر به هر دلیل بیان اول را به خوبی تلقی نکرده باشد، با بیان دوم، مطلب را تلقی کند.

ب. با بیان اجمالی و تفصیلی، چنانکه گذشت.

ج. با ارائه نتیجه در پایان پاسخ که آنچه قبلاً آمده بود، به طور خلاصه در نتیجه بازگو می‌شود.

د. تکرار مستقیم همان مطالب با همان قالب و شیوه.

۱. «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا حَدَّثَ الْحَدِيثَ أَوْ سِئِلَ عَنِ الْأَمْرِ كَرَّرَهُ ثَلَاثًا لِيَتَفَهَمَ وَ يُفْهَمَ عَنْهُ؛ رَسُولُ خَدَا ﷺ هَرْگَاهِ حَدِيثِي رَا مِي فَرَمُود يَا دَر مَورِد چيزِي يَاسَخ مِي دَاد، سَه بَار آن رَا تَكَرَّار مِي كَرْد تَا مَطْلَب رَا [طَرَف] بَفْهَمْد وَ از او فَهْمِيدَه شُود.» (مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، ص ۲۰).

برخی از آنها بر زنها واجب است و برخی بین زن و مرد مشترک است؛ یعنی هم بر زنان و هم بر مردان واجب می‌شود، که من تنها غسلهای مشترک را می‌گویم و آن گاه به بیان سه غسل فوق اکتفا کند. و پرسشگر را به رساله توضیح المسائل (لااقل کتابهایی که در موضوع احکام جوانان نوشته شده است) ارجاع دهد.

۲۸. جدیت در پاسخ دهی

پاسخگو باید به آنچه می‌گوید و می‌نویسد ایمان و باور داشته باشد و به گونه‌ای بگوید و بنویسد که حتی الامکان این باور خود را به پرسشگر منتقل کند. سخن او باید از دل برآید تا بر دل نشیند. به عنوان نمونه: در اوصاف سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نوشته‌اند: وقتی از رستاخیز سخن می‌گفت، صدایش شدید (بلند) و گونه‌هایش قرمز می‌شد.^۱ در روایت

پرسیده، باید به گونه‌ای پاسخ‌دهی شود که شامل همه مفطرات بشود، اگر آیاتی را که سجده واجب و مستحب دارند پرسیده، نمی‌توان به ذکر چند مورد بسنده کرد. در اینگونه موارد، اگر پاسخ دهنده به هر دلیلی نمی‌خواهد تمام اقسام را بگوید، لازم است در ابتدای پاسخ به این نکته اشاره کند که تنها به بخشی از اقسام پاسخ می‌دهد؛ مثلاً وقتی نوجوانی از غسلهای واجب می‌پرسد و پاسخگو معتقد است بیان غسلهایی که ویژه زنان است، برای این پرسشگر ضرورتی ندارد نباید در پاسخ بگوید: غسلهای واجب عبارتند از: جنابت، میت و مس میت؛ زیرا این گونه پاسخ‌دهی اغرای به جهل و پاسخ ناقص است. او می‌تواند در پاسخ بگوید: غسلهایی که بر مردان واجب می‌شود عبارت است از: جنابت، میت و مس میت. و بهتر است بگوید: غسلهای واجب شش غسل است که

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۱؛ آمالی، شیخ طوسی،

دیگری از جابر نقل شده است که وقتی رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [در باره قیامت] خطبه می خواند، اشک از چشمش سرازیر و صدایش بلند و ناراحتیش هویدا می شد، به گونه ای که گویا مردم را از حمله [قریب الوقوع] لشکری بیم می دهد!

۲۹. خضوع و خشوع

یکی از مهم ترین وظایف مؤمنان خضوع و خشوع است.^۲ هر چند این امر در تمام مواقع و مقامات لازم است؛ ولی در مقام پاسخ دهی، به ویژه

پاسخ دهیهای حضوری لازم تر است و بدون داشتن این دو صفت، پاسخگو نمی تواند وظیفه خود را به خوبی ایفا کند. با داشتن تکبر، خود بزرگ بینی، نخوت و سایر صفات رذیله، نه تنها روحانی و پاسخگوی دینی نمی تواند پرسشگران را قانع کند؛ بلکه حتی در صورتی که پاسخ او صحیح باشد، باز هم حلاوت و شیرینی پاسخش بر دل مخاطب نخواهد نشست. آثار مهربانی، خضوع و خشوع پاسخ دهنده باید در رفتار و گفتارش نمودار باشد؛ او باید این دستور خداوند به پیامبرش را آویزه گوش کند که:

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ...﴾^۳؛ «بگو: من نمی گویم خزائن

۳. الأنعام/۵۰. این جمله در سوره هود نیز بدین شکل آمده است: ﴿وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾؛ «من هرگز به

۱. منتهی المطلب، علامه حلی، ج ۱، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۵۶.

۲. تفاوت بین خشوع و خضوع با اینکه معنای تذلل و انکسار در هر دو هست، این است که خضوع مختص به جوارح و اعضای بدنی آدمی است؛ ولی خشوع مختص قلب؛ چنانکه در روایتی به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می خوانیم: از آنچه خداوند عزوجل به موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام وحی کرد، این بود: «یا بن عمران! هب لی من قلبک الخشوع، و من بدنک الخضوع، و من عینک الدموع فی ظلم اللیل، و ادعنی فإنيک تجدنی قریباً مجیباً.» (أمالی، شیخ صدوق، ص ۴۳۸).

خداوند اراده کند] و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم، و هیچ بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید؛ من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام، برای گروهی که ایمان می‌آورند! [و آماده پذیرش حقند].»

۳۰. درخواست پرسش

کسی که مطمئن است توان پاسخگویی به سؤالات را دارد، شایسته است خود را در معرض پرسشها قرار دهد تا اگر کسی سؤال دینی دارد، از او بپرسد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام به «ابان بن تغلب» فرمود: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا نقل کن! من دوست دارم در یارانم مانند تو را بینم^۲ و امام کاظم علیه السلام به محمد بن حکیم دستور

خدا نزد من است و من، [جز آنچه خدا به من پیاموزد،] از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم من فرشته‌ام.»

پاسخگوی مذهبی باید با صدای بلند اعلان کند که بنده‌ای بیش نیست و دانایی او محدود است تا مردم از او انتظارات بی‌جا نداشته باشند. همه روحانیون باید از رسول اعظم صلی الله علیه و آله پیاموزند که این دستور الهی را به خوبی اجرا می‌کرد:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾؛ «بگو: من مالک سود و زیان خویش نیستم؛ مگر آنچه را خدا بخواهد [و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم؛ مگر آنچه

۲. «قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «اجلس في مسجد المدينة و أنت الناس فتأني أحب أن أرى في شيختي مثلك» (رجال النجاشي، ص ۷، مبحث ابان بن تغلب بن رباح؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۵؛ رجال ابن داود، ص ۱۰).

شما نمی‌گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی‌دانم! و نمی‌گویم من فرشته‌ام» هود/۳۱.

۱. الأعراف/۱۸۸.

بزرگان و عالمان معتقدند تنها امیرمؤمنان این مطلب را فرموده^۱ و چنانکه از خود امیرمؤمنان نقل شده است، هیچ کس مگر ادعا کننده نادان یا دروغگوی افترا زننده نمی تواند ادعا کند که هر چه می خواهید از من بپرسید.^۲

۳۱. درخواست تفصیل از پرسشگر

اگر پاسخ دهنده نتواند از روی پرسش نامه، سؤال را کاملاً درک کند یا در جلسات پاسخ دهی، پرسشگر به

ص ۱۲۶؛ همان، ج ۴۰، ص ۱۹۰ به نقل از مستند و سایر منابع اهل سنت؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۲۱۸ و ...

۴. «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي فَإِنَّا لَأَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ دُونِ الْعَرْشِ إِلَّا أَجَبْتُ فِيهِ؛ قَبْلَ أَنْ يَنْقُضَ عَلَيَّ مِنْ أَسْأَلٍ غَيْرِ مِنْ عَرْشِ سَوَّالٍ شَيْءٍ، فَادْرَأْهُ بِجَوَابِ مَا دَعَا بِهِ.» (شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، ج ۱۳، ص ۱۰۸؛ المحتضر، حسن بن سليمان حلی، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۶).

۵. «لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا مُدَّعٍ أَوْ كَذَّابٍ مُفْتَرٍ.» (المحتضر، حسن بن سليمان حلی، ص ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۶).

داد که در مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنشینند و با مردم مدینه به بحث و مناظره بپردازد.^۱

«سیره و روش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بر این مطلب استوار بوده که خودشان را در معرض سؤال دیگران قرار می دادند و گاه می فرمودند: بنشینید تا برایتان سخن بگویم؟»^۲

نکته مهمی که پاسخ دهنده در این باره باید رعایت کند این است که او نباید بگوید: قبل از اینکه از بین شما بروم، از من بپرسید! یا بگوید: هر چه می خواهید، از من بپرسید؛ زیرا این ادعا، ادعای بزرگی است و از ویژگیهای امیرمؤمنان بود که چند بار فرمود: قبل از آنکه مرا از دست بدهید، هر چه می خواهید، از من بپرسید.^۳

۱. رجال کشی، ص ۴۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. موسوعة التاريخ الاسلامي، محمد هادی یوسفی، ج ۱، ص ۶۹۴.

۳. این حدیث را غالب دانشمندان شیعه و اهل سنت نقل کرده اند؛ رک: بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

است: «مفتی (پاسخگو) می‌تواند جواب یکی از فروع و شاخه‌های سؤال را بگوید و یا بنویسد. و این کار در صورتی صحیح است که مفتی بداند همان فرع برای سؤال کننده روی داده و پاسخ همین شاخه از پرسش را مطالبه می‌کند، و سپس باید یادآور گردد که اگر منظور از سؤال شما چنین باشد؛ پاسخ آن همین است. و یا بگوید در صورتی که هدف از سؤال شما چنین باشد، پاسخ آن همانگونه است که ذکر شد؛ و امثال آن. و نیز مفتی می‌تواند به تمام شاخه‌ها و بخشهای مختلف سؤال، پاسخ گوید و تمام بخشهای متعدد مسئله را یاد کند و سپس پاسخ آنها را بیان نماید؛ لکن این نوع پاسخگویی از دیدگاه برخی از دانشمندان، ناخوش آیند است.»^۱

هر دلیل پرسش خود را مبهم و نامفهوم مطرح کند، پاسخ دهنده باید به هر شکلی که برایش ممکن است از پرسشگر بخواهد که درباره سؤال خودش توضیح بیش تری بدهد. البته اگر بخواهد روی نامه پرسشگر بنویسد و درخواست توضیح بیش تر کند، باید این نکته را در قسمتی از نامه بنگارد که به خود نامه صدمه‌ای وارد نشود و آنرا مخدوش نسازد.

اگر ابهام پرسش به گونه‌ای است که هر چند مقصود پرسشگر به طور قطعی و یقینی مشخص نیست؛ ولی به احتمال قوی می‌توان مقصود او را دریافت، پاسخ دهنده باید در آغاز پاسخ خود تصریح نماید و بنویسد: اگر سؤال شما این است، پاسخ چنین است، و اگر نه، در نامه بعدی درباره پرسش خود توضیح بیش تری بنویسید تا پاسخ مناسب ارسال شود.

شهید ثانی درباره پرسشهایی که شاخه‌ها و فروع مختلفی دارد معتقد

۳۲. دعا هنگام ارائه پاسخها

شخص مؤمن باید در همه کارها به خدا توکل داشته باشد و از او کمک بخواهد. پاسخ دهی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست؛ از اینرو دانشمندان بزرگ اسلامی بر این نکته تأکید می‌کنند که یکی از آداب افتاء، دعا و تضرع به درگاه خداوند هنگام نوشتن پاسخ است. هر چند علما این مطلب را درباره افتاء نوشته‌اند؛ ولی از آنجا که افتاء نیز نوعی پاسخ دهی است، این مطلب باید در پاسخ دهی به همه سؤالات دینی مورد توجه قرار بگیرد. شهید ثانی در این باره می‌نویسد:

«اگر مفتی با خط خود، پاسخ نامه را آغاز کند، باید - بر طبق شیوه معمول قدیم و جدید - پاسخ را در ناحیه راست نامه بنویسد و بالای "بسم الله الرحمن الرحيم" و امثال آن، هیچ نوشته‌ای را قرار ندهد.»^۱ همو می‌نویسد: آنگاه که مفتی می‌خواهد

فتوایی صادر نماید باید استعاذه کند، و از شر شیطان مطرود از رحمت، به خداوند متعال پناه برد و بگوید: "اعوذ بالله من الشيطان الرجيم" و نام خداوند را با گفتن "بسم الله الرحمن الرحيم" بر دل و زبان جاری سازد، و او را سپاس گفته، و بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ درود فرستد و دعا کند و بگوید: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُصْ عِقْدَةً مِن لِسَانِي يَقْقُوهَا قَوْلِي!»^۲ «پروردگار! سینه‌ام را گشایش ده و کارم را آسان گردان و گره از زبانم باز کن تا سخنم را بفهمند.»

برخی از دانشمندان به هنگام فتوا، دعای زیر را می‌خواندند: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»^۳، «فَقَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ»

۱. طه / ۲۵-۲۸.

۲. تمام آیه چنین است: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»، «گفتند

مفتی باید در آغاز پاسخ، یکی از عبارات زیر را بنویسد: "الحمد لله"، "الله الموفق"، "حسبنا الله"، "حسبی الله" و امثال این گونه تعبیرات [که نمایانگر سرآغاز پاسخ می باشد]. بهتر این است که پاسخ را با سپاس الهی "الحمد لله" آغاز کند؛ چون در این باره حدیثی به ما رسیده است که هر کار مهم و اساسی را باید به نام خداوند متعال و سپاس او آغاز نمود. شایسته است مفتی علاوه بر نگارش "الحمد لله" حمد و سپاس خداوند متعال را بر زبان جاری ساخته و سپس همان را روی نامه نیز بنویسد، و با تعبیر "الله اعلم" و "یا بالله التوفیق"، جواب نامه را پایان برد. و در پایان پاسخ، نام و مشخصات خود را بنویسد.^۳

پیوندی از حق و درستی و پاداش اخروی فراهم آور، و از خطاء و لغزش و محرومیت از پاداش اخروی، مرا در پناه خود قرار ده.

۳. منیة المرید، ص ۲۹۷.

وَ كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَ عَلِمًا... ﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَائِرِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ وَ قُنِّي وَ اهْدِنِي وَ سَدِّدْنِي، وَ اجْمَعْ لِي بَيْنَ الصَّوَابِ وَ الثَّوَابِ وَ اعِزَّنِي مِنَ الْخَطَاةِ وَ الْحِرْمَانِ ۲.

خدايا تو منزه هستی. ما علمی نداریم مگر آنچه به ما آموخته‌ای. به درستی که تو علیم و حکیم هستی. (بقره / ۳۲)

۱ تمام آیه چنین است: ﴿فَقَهَّمْنَهَا سَلِيمًا وَ كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَ عَلِمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾؛ پس آن را به سلیمان فهمانیدیم و تمام آنها را حکمت و علم دادیم و کوهها و پرندگان را با داود مسخر ساختیم که [همراه او] تسبیح [خدا] می گفتند. و ما این کار را انجام دادیم. (انبیاء / ۷۹)

۲. ترجمه دعا: جز به وسیله خداوند والای بزرگ هیچ عامل و نیرو و قدرتی مؤثر نیست. خدايا! تو از هر عیب و نقصی مبری هستی، و جز آنچه تو به ما آموختی، هیچگونه آگاهی کامل برای ما وجود ندارد. [تو فرمودی]: که ما به سلیمان چنان حقایقی را فهمانیدیم، و حکمت و دانش را به همه پیامبران ارمغان دادیم. خدايا! بر محمد ﷺ و خاندان و یارانش، و سایر انبیا و نیکان درود فرست. خدايا! مرا موفق گردان و به راه راست رهنمون ساز، و مرا استوار نگاهدار. و رأی مرا با

۳۳. رعایت نکات امنیتی

پاسخ پرسشها باید هوشمندانه نگارش شود تا راه هر گونه دخل و تصرفی در پاسخ، بسته شود؛ برای رعایت این امر شایسته است به نکات زیر عنایت شود:

الف. اگر پاسخ دهنده بخواهد پاسخ را زیر نامه پرسشگر بنویسد و در نامه سؤال کننده محل نوشته‌ای را در اثنای خطوط و سطور و یا پایان آن مشاهده نماید، باید با خطی آن محل را پر کند و یا چیزی که لازم است، در آن جای خالی بنویسد و آن جای سفید را اشغال نماید؛ زیرا ممکن است برخی از پرسشگران سوء استفاده کرده و پس از دریافت پاسخ، محلی که خالی گذاشته بودند را با عباراتی پر کنند که پرسش دگرگون شود و طبعاً پاسخ نیز ناهماهنگ و غلط از کار درآید. چنانکه گفته شده این گونه سوء استفاده درباره برخی از

دانشمندان بزرگ، و حتی برای برخی از مراکز مهم پاسخگویی پیش آمده است.

ب. اگر پاسخ دهنده پاسخ را در همان نامه‌ای که پرسشگر فرستاده می‌نویسد، باید پاسخ بلافاصله پس از پرسش آورده شده، هیچگونه فاصله‌ای میان سؤال و جواب باقی نماند، تا پرسشگر نتواند چیزی را که موجب فساد و دگرگونی پاسخ او می‌گردد بر آن بیفزاید. برخی از دانشمندان معتقدند که اگر به دلیل کمبود ظرفیت نامه‌ای که پرسش در آن نوشته شده، امکان ارائه پاسخ در همان صفحه وجود نداشته باشد، نباید پاسخ را روی ورقه دیگری بنویسد؛ بلکه باید پشت ورقه و یا در حاشیه آن بنگارد. آنگاه که می‌خواهد پاسخ استفتا را در پشت نامه بنویسد، باید از بالا شروع کند؛ مگر در صورتی که بخواهد پاسخ را بلافاصله در پایین

را بسیار کم می‌کند؛ زیرا تهیه چنین ورقه‌هایی برای بسیاری از افرادی که به دنبال سوء استفاده از پاسخ هستند، مشکل است و در صورت تهیه رونوشت، امکان تشخیص پاسخ صحیح از سقیم به راحتی فراهم خواهد شد و در صورتی که خود پرسشگران، نوع پاسخهای مرکز یا شخصی که از او سؤال می‌پرسند را بشناسند، به راحتی می‌توانند به رونوشت بودن پاسخ تقلبی پی ببرند. د. تهیه رونوشت؛ مناسب است، پس از تهیه و امضای پاسخ، رونوشتی از آن تهیه و در بایگانی نگهداری شود، تا در صورت نیاز به آن مراجعه کنند. در صورتی که پاسخها حروفچینی می‌شود، باید فایل کامل پرسش و پاسخ در محل مناسبی نگهداری شود.

۳۴. برطرف کردن اشکالات پرسش

گاه پرسشگر سؤال خود را اشتباه

می‌پرسد. اگر این اشتباه به گونه‌ای

نامه، و به دنبال آن بنگارد، و مابقی پاسخ را به خاطر ضیق و عدم گنجایش محل، در پایین پشت ورقه تکمیل کند تا پاسخ او به سؤال متصل بوده و پیوستگی خود را حفظ نماید!

در صورتی که پرسش و پاسخ را حروفچینی می‌کند، باید بین سطور پرسش و پاسخ فاصله‌ای وجود نداشته باشد تا امکان اضافه کردن مطلبی در پاسخ نامه وجود نداشته باشد؛ چنانکه باید ابتدای پاسخ روشن باشد. برای این منظور می‌توان پس از نوشتن پرسش، کلمه "پاسخ" را **bold** کرده و نگاهاشت.

ج. نوشتن پاسخ در کاغذهای مخصوص و حتی الامکان با حاشیه رنگی و دارای آرم مخصوص پاسخگو یا مرکز پاسخگویی به سؤالات. این کار علاوه بر افزایش زیبایی پاسخ، امکان دست بردن در آن

عنوان نمونه، از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که به یکی از نویسندگان خود فرمود: «أَلِقِ الدَّوَاةَ وَ حَرِّفِ الْقَلَمَ وَ أَنْصِبِ الْبَاءَ وَ فَرِّقِ السَّيْنَ وَ لَأَ تُغَوَّرَ الْمِيمَ وَ حَسِّنِ اللَّهَ وَ مَدِّ الرَّحْمَنَ وَ جَوِّدِ الرَّحِيمَ؛ ليقه را در دوات قرار ده، و قلم را کج نگاهدار، و بباء "بسم الله" را برافراز (آن را کشیده و بلند بنویس)، دندانهای سین را مشخص و روشن بنویس، و میم را کور (توپر و زشت) بنویس، "الله" را زیبا و "رحمن" را کشیده و "رحیم" را خوش بنگار.»^۱

«از زید بن ثابت» چنین نقل شده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَنْتَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْبَيْتِ»^۲ «آنگاه که می‌خواهی بسم الله الرحمن الرحیم را بنگاری، سین را واضح و دندانهای آن را روشن بنویس.»^۲

است که در مفهوم کلمه تغییری ایجاد می‌کند، پاسخ دهنده باید پرسش را اصلاح کند، و اگر در مفهوم کلمه اشکالی ایجاد نشود، در صورتی که پاسخگو متن پرسش را حروفچینی و یا بازنویسی می‌کند، پرسش را نیز اصلاح کند و در این صورت لازم نیست به پرسشگر یادآور شود که کلمه‌ای که نوشته از نظر املائی غلط بوده است؛ زیرا او با دیدن متن حروفچینی یا باز نویسی شده، خود به خود به اشکال خودش پی خواهد برد؛ ولی اگر در ذیل صفحه‌ای که پرسش نوشته شده، پاسخ نیز ارائه می‌شود، پاسخ دهنده می‌تواند زیر کلمه غلط خطی کشیده و صحیح آن را بالای همان کلمه بنویسد.

۳۵. رعایت امور نگارشی

رعایت نکات نگارشی و ویرایشی از صدر اسلام مورد عنایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است؛ به

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص، ۱۴۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۷۱؛ منية المرید، ص ۳۵۰؛ الجامع الصغير، جلال الدین سیوطی، ج ۱، ص ۱۲۸؛ کترة العمال، ج ۱، ص ۲۴۴.

باید کلمات را درست ادا نموده و آنها را غلط نگوید. برای رعایت این اصل باید نکات زیر را رعایت کند:

الف. اطمینان به صحت کلمات، به ویژه در آیات قرآن و احادیث شریف؛ هر قدر که پاسخگو قوی هم باشد و پاسخهای مناسب ارائه کند و حتی اگر آیه و روایتی که می‌نویسد را از حفظ باشد، باز هیچ گاه نباید به حافظه خودش اکتفا کند؛ بلکه باید به قرآن کریم و کتب روایت مراجعه کرده، متن مورد نظر را از رو بنویسد و حتی الامکان در پاسخهای حضوری، از روی متن، آیه و روایت را ارائه کند.

ب. زیبا و خوانا نویسی؛ در پاسخ کتبی باید به حسن خط و خوانا نوشتن اهتمام ورزد و رعایت این امر در پاسخهایی که عین نوشته پاسخگو برای پرسشگر ارسال می‌شود، از اهمیت بیش تری برخوردار است. و

«انس» می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «چنانچه کسی بسم الله الرحمن الرحیم را بنویسد، باید الرحمن را کشیده بنگارد.» همو گوید: رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «اگر کسی بسم الله الرحمن الرحیم را بنگارد و آن را به منظور تجلیل از خداوند متعال، با خط خوش و زیبا بنویسد، خدای متعال او را مسورد رحمت و مغفرت خویش قرار می‌دهد»^۱.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است که فرمود: «مردی در [خوش نگاری] بسم الله الرحمن الرحیم اظهار اشتیاق کرد و بدان اهتمام ورزید و مورد آمرزش الهی قرار گرفت»^۲.

پس پاسخ دهنده در نوشتن پاسخ باید قوانین نگارشی و ویرایشی را رعایت کند و در پاسخ دهی حضوری

۱. منیة المرید، همان.

۲. همان، ص ۳۴۹.

آنچنان سست، قابل انعطاف و نرم باشد که به سرعت ساییده شده و از کار افتد و از نوشتن درماند.

نویسنده نباید حروف را بریده، ناقص و ناتمام بنویسد، یا آنها را مبهم، مشتبه و همانند یکدیگر نگارش کند؛ بلکه لازم است حق هر حرفی را از لحاظ طرز نگارش ادا نموده و آدابی را که درباره کتابت حروف وارد شده است، مراعات نماید.

ج. رعایت فصل و وصل؛ برخی از دانشوران بر این نکته تأکید کرده‌اند که نویسنده باید در هر نوشته‌ای از "تعلیق" در نگارش سخت پرهیزد؛ تعلیق عبارت از آمیختن حروفی است که باید به صورت گسسته از هم و جدای از حروف دیگر نگارش یابد.^۱

نگارنده باید در نگارش دقت کند که کلماتی را که به هم پیوسته هستند، به هم پیوسته و کلماتی که باید غیر

در صورتی که پاسخگو نمی‌تواند زیبا بنویسد، شایسته است که پاسخها حروفچینی شده، سپس ارسال شود.

برخی از عالمان فرهیخته معتقدند که نویسنده نباید همه قوای خود را صرف زیبا نوشتن کند؛ بلکه باید به صحت و خوانا بودن و یا تصحیح آن اهمیت دهد. نویسنده باید از "مشق" پرهیزد، و آن عبارت از سرعت در نگارش و تندنویسی است که با لغزش و افتادگی حروف توأم است. نویسنده باید از ریزنویسی و نازک نگاری در نگارش خودداری کند؛ چون نه تنها خوانندگانی که بینایی ضعیفی دارند از این متن بهره‌ای ندارند؛ بلکه ممکن است خودش نیز در آینده و پس از گذشتن چند سال نتواند نوشته خود را بخواند.

قلم نباید آنچنان سخت و سفت باشد که مانع سرعت عبور آن از روی کاغذ گشته و از روانی باز ماند، و نه

پیوسته نوشته شوند، با رعایت قوانین نگارشی بنویسد. هر چند با توجه به اختلاف زیادی که در این باره و به ویژه اخیراً بین نویسندگان، ویراستاران، فرهنگستان و... بوجود آمده است، نمی‌توان در این باره نظریه قاطعی را ابراز کرد؛ ولی به هر حال نویسنده باید یکی از مبانی موجود را انتخاب کرده و مطابق همان رفتار کند.

ولی هر مبنایی که انتخاب کند، او را از رعایت نیم فاصله بی‌نیاز نمی‌کند. رعایت نیم فاصله از قدیم الایام بین دانشمندان مطرح بوده است. به عنوان نمونه شهید ثانی می‌نویسد:

«علما و دانشمندان در مورد اسما و عناوینی که به «الله» اضافه می‌شود، ایجاد فاصله میان مضاف «الله» و خود «الله» را در نگارش، مکروه و ناخوش آیند می‌دانند؛ مانند: "عبدالله"

و «رسول‌الله». بنابراین نباید «عبد» و یا «رسول» را در پایان سطر، و «الله» را پس از آن در آغاز سطر بعدی نوشت.^۱

د. رعایت علائم نگارشی مانند: ، . : - () و... رعایت این علائم علاوه بر آسان شدن فهم مطلب، از پدید آمدن اشتباهات نیز جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر استفاده نابجا از این علائم موجب می‌شود در نوشتار خلل زیادی ایجاد شده و گاه خلاف مقصود گوینده از متن فهمیده می‌شود؛ به عنوان نمونه، در جمله «ناسزاگوینده پیامبر، کافر است». اگر بعد از «ناسزا گوینده» علامت ویرگول یا علامت تعجب (!) گذاشته شود، معنی جمله بسیار ناپسند و کفر گویی خواهد شد.

۱. همان، ص ۳۵۸.

صورت ممکن است خواننده، این متون را غلط بخواند.^۱

در مورد کلمات مشابه، نویسنده می‌تواند به جای اعراب‌گذاری، کلمه‌ای هم‌وزن آن کلمه که در فارسی مشهور است را بنویسد؛ مثلاً بنویسد: «غسق» بر وزن شفق و «وقب» بر وزن نقب یا «تباب» بر وزن کباب و... چنانکه ممکن است، کلمه نامأنوس را به زبان لاتین بنگارد. برخی نیز ضبط دقیق کلمه را به پاورقی منتقل می‌کنند.

۱. در روایتی از امام، صادق علیه السلام می‌خوانیم: «أَغْرِسُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ؛ سخنان ما را اعراب‌گذاری کنید، به درستی که ما قومی فصیح هستیم.» کافی، ج ۱، ص ۵۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۸۳؛ الفصول المختارة، شیخ مفید، ص ۹۱؛ منیة المرید، ص ۳۵۳. مقصود حضرت این است که اگر احادیث ما را نقل کردید، حروف و کلمات و حرکات آن را واضح و روشن بیان کنید و آن را ملحون نخوانید تا با بعضی دیگر اشتباه شود. (شرح اصول کافی، ملا محمد صالح مازندرانی، ج ۲، ص ۲۲۴).

هـ. ایجاد عناوین برای مطالب؛ در مواردی که پاسخ از یک صفحه A۵ بیش‌تر است، بهتر است. برای پاسخ، عناوین مناسبی انتخاب کرد. دانشمندان در گذشته معتقد بودند که بهتر است عناوین، و ابواب، فصول و امثال آنها را با قلم سرخ و یا قلمی متفاوت از رنگ متن بنویسد؛ چون این کار موجب ظهور و برجستگی فزون‌تری در مطالب متنوع کتاب می‌گردد، و فواصل آن را بهتر مشخص می‌سازد. در حال حاضر و با توجه به حروفچینی مطالب می‌توان عناوین را با قلمی درشت‌تر از قلم پاسخ و با فونتی متفاوت نوشت.

و. اعراب‌گذاری آیات قرآن، احادیث و لغت‌های نامأنوس و مشکل؛ اعراب‌گذاری قرآن و روایات از آن جهت مهم است که در غیر این